

صاحب امتیاز:

<b>موسسه فرهنگی هنری آهنگ آتیه</b>
<b>(تحت پوشش سازمان تامین اجتماعی)</b>
<b>رئیس شورای سیاست‌گذاری:ابراهیم‌رستمیان</b> مقدم
<b>مدیرمسئول: </b> حامد شمس
<b>سر‌دبیر: </b> اکبر هاشمی
<b>معاون سر‌دبیر: </b> رضا جمیلی
<b>دبیر تحریریه: </b> میترا فردوسی
<b>مدیر هنری: </b> سیدعلی‌رضا میرزامصطفی
<b>مدیرفنی: </b> پژمان اشکان
<b>ویرایش عکس: </b> شبنم رضوانی
<b>ویرایش متن: </b> مرصیه عطیمی
<b>تحریریه: </b> نسرین ظهیری، فاطمه علی اصغر
<b>آزاده افتخاری، امین جلالوند</b>
<b>مسعود شاه‌حسینی، صدرا محقق، نگار مفید</b>
<b>محمدحسین قشقایی، بهاره اسلامی</b>
<b>حامد رسولی،مهدی شادمانی، نازنین متین‌نیا</b>
<b>حمیدرضا عبدالوند، بهاره بدیعی</b>
<b>جواد حیدریان،مسعود مشایخی</b>
<b>نظارت چاپ: </b> عبدالله محمدی
<b>با تشکر از: </b> بیژن رضمانی، ابراهیم باقری،
<b>صولت فروتن، احمدرضا سبزویش</b>
<b>نشانی: </b> خیابان احمد قصیر، خیابان دوازدهم
<b>شماره ۲۲، طبقه پنجم</b>
<b>تلفن تحریریه: </b> ۰۶-۸۵۱۷۰۸۵
<b>نمابر: </b> ۸۵۱۷۰۸۷
<b>www.tamin24.ir</b>
<b>چاپ: </b> هنر سرزمین سبز
<b>آگهی و اشتراک: </b> ۸۵۱۷۰۹۱

**• زیر پوست شهر-۵۵•**

**• نسرین ظهیری •**

### یک روز عادی

غوره‌هایی صدادانه می‌شوند در دستان قدیمی آقای سحر خیزان، لابه‌لای انگشت‌های باریک و بلندوپیر اختر‌خاله، زیر ناخن‌های جوان‌هستی، دختر همسایه. غوره‌ها ابدارند و سبز. آقای سحر خیزان، کارمند بازنشسته کارخانه‌استار لایت، موفر غوره‌دانه می‌کند. اختر خاله‌هی نگاه ناامید‌کننده‌ای می‌اندازد به گونی غوره‌ها و غرمی‌زند: «تادوروز دیگر هم تمام نمی‌شود!» پدریام‌روزی می‌کند: «هستی اما جلداست و باثابه‌ها مسابقه گذاشته ببینند غوره‌ها زودتر دانه می‌شوند یا ثابیه‌ها زودتر می‌پزند. همسایه‌های دیگر گوشه حیاط شلوغ می‌کنند. در هم می‌لولند و بروبیای می‌کنند. آن‌ها جبهه‌های بزرگ آلبالو را گذاشته‌اند وسط و آلبالو دانه می‌کنند و سبدو دیگ و دیگچه و کماچان‌د است که می‌آیدو می‌رود. همسایه‌ها تصمیم گرفته‌اند آب‌غوره بگیرند و آلبالو آخته کنند. اتفاقی نیست جز دانه شدن غوره‌ها و شربت شدن آلبالوها. غوره‌ها می‌شوند آب‌غوره، توی شیشه‌های بزرگ و بلوری مایل به سبز. شیشه‌های وسوسه‌برانگیز آب‌غوره و شربت آلبالو کنج دیوار ردیف می‌شوند. امروز هیچ کس وقت ندارد. آقای سحر خیزان وقت ندارد از پادرش بنالدو هی مدام بگوید: «دیدید این هفته هم محمد نیامد به سری به من پیرمرد بزند!» اختر خاله غصه‌هایش را فراموش کرده و یادش نیست مثل هرروز از عروسش بنالدو لبش را کج و معوج کند و ادای عروس دوشش را در بیارود وقتی که برایش کلاس می‌گذارد. هستی نگاهش به در‌های خانه همسایه قفل نشده همه در آرایش یک غروب در حال ساختن طعم‌های خوب دنیا هستند. شب می‌رسد و گرما از نفس می‌افتد. کار تمام است. زنبولی وسط حیاط رامی‌تکتاند. چوب غوره و آلبالو رامی‌گذارند توی سطل زباله. قابلمه و آبکش‌ها جمع می‌شود. هستی حیاط را چارو می‌زند. همین. دیدید گفتم خبری نیست. حالا دیگر آفتاب هم نیست و این ماه است که توی شیشه‌های رنگی می‌نشیند. همه چیز قسمت می‌شود. آقای سحر خیزان یک شیشه اضافی برمی‌دارد برای محمدش. اختر خاله می‌گوید عروس کوچکش و یار دارد و یک شیشه شربت آلبالو می‌گیرد زیر چادرش. هستی سه‌هش یک شیشه بزرگ آب‌غوره و یک شیشه کوچک شربت می‌شود. همه می‌روند و روزی خبر طی می‌شود، سرشار از تمام طعم‌های وسوسه‌برانگیز زمین.

#### سرکار خانم میترا فردوسی

در گذشت پدر بزرگ‌تر اقتدرتان را به شما و خانواده داغدارتان تسلیت عرض می‌کنیم و از خداوند متعال برای شما همکار خوبمان صبر و شکیبایی و برای آن مرحوم، رحمت و مغفرت واسعه آرزو نمیدیم.

و از طرف همکاران‌تان در هفته نامه آتیه‌نو و موسسه فرهنگی هنری آهنگ آتیه

## حمایت مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی از کمپین خرید نشریه به مناسبت روز خبرنگار

جمعی از مسئولان، روزنامه‌نگاران و هنرمندان کشور با پیوستن به کمپین خرید روزنامه به مناسبت ۱۷ مرداد، روز خبرنگار که به پیشنهاد صولت فروتن از همکاران «آتیه‌نو» مطرح و با استقبال رسانه‌های جمعی و فضای مجازی روبه‌رو شده، از سایر هموطنان دعوت کرده‌اند با خرید دونسخه از نشریه موردعلاقه خود از مطبوعات چاپی کشور حمایت کنند. در بخشی از متن دعوت این کمپین آمده است: «بیاید به احترام تمامی پیشکسوتان، اساتید، شهدای رسانه، خبرنگاران و روزنامه‌نگاران و... برای حس نوشتار یک ورق زدن یک روزنامه و نشریه مکتوب، یک یاد و روزنامه و نشریه بخریم، بخوانیم و هدیه دهیم.» دکتر سیدتقی نوربخش، مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی، نیز با مشارکت در این کمپین از ایده خرید و هدیه دادن نشریات حمایت کرد.

# ایکتیبنو

جایی برای حرف‌های خودمانی

## شماره پانزدهم ماهنامه «قلمرو رفاه» منتشر شد

در مقاله‌ای مفصل به تحلیل بحران‌های

نظام سرمایه‌داری در یک قرن اخیر پرداخته و نشان داده‌است که مقررات‌زدایی از بخش مالی و بانکی، بنیان بحران فراگیر کنونی در جهان و ایران است.

در بخش سیاست اجتماعی این شماره، تجربه سیاست‌های رفاهی برای کارگران و فرودستان در دو کشور ترکیه و کره جنوبی مورد بررسی قرار گرفته است. اما در بخش دیگر این ماهنامه سرمقاله شماره آخر نشریه NewLeftReview به قلم سوزان واتکینز ترجمه شده است. در بخش فرهنگ این شماره ماهنامه قلمرو رفاه، دو کتاب جدید مرجع در خصوص سیاست‌های کاهش فقر و نابرابری معرفی و بررسی شده‌است. بیش از یک سال است که از تولد ماهنامه قلمرو رفاه در عرصه مطبوعات کشور می‌گذرد. این مجله‌سعی دارد رویکردی متفاوت و نوین را به مسائل اجتماعی و اقتصادی کشور مطرح کند.

مطالعه این شماره را به همه شما توصیه می‌کنیم

### • پیشخوان •

• **علیرضا مجیدی** •

شماره پانزدهم ماهنامه تحلیلی «قلمرو رفاه» منتشر شد. شماره جدید این ماهنامه که به مباحث حوزه سیاست‌گذاری رفاه و تامین اجتماعی اختصاص دارد و ویژه‌نامه‌ای مفصل است که به بررسی ابعاد بحران مالی جهان و راه‌های مقاومت در برابر آن در مقیاس اقتصاد ملی و جهانی پرداخته‌است، در بخش نخست ماهنامه، احمد میدری



## بحث داغ شبکه‌های اجتماعی

# ایمنی پتروشیمی‌ها؛ واقعیت‌ها و هیجانات



کابل‌های برقش مال ۳۸ تا ۴۰ سال پیشه. کارخونه که آتش گرفت گفتن کارباکری بوده. کارشناس اومد و تا کابل‌های برق رو دید گفت فرسودگی کابل برق باعث آتش‌سوزی شده. کمی منطقی‌تر باشیم،»

پس از انتشار خبر مهار آتش‌سوزی مجتمع پتروشیمی بوعلی، یکی دیگر از اهالی اینستاگرام با نام کاربری فتوانی در صفحه شخصی خود تحلیلی در این خصوص ارائه داد و نوشت: «آتش‌سوزی مجتمع پتروشیمی بوعلی سینا بندر ماهشهر پایان یافت، اما ایسن حادثه را نباید فراموش کرد و باید چند نکته را جدی گرفت.

۱- ایمنی در صنایع منطقه پایین است و کنترل حادثه با ضعف جدی روبه‌روست. اگر آتش گرفتن یک مخزن بخواهد سه روز طول بکشد تا موداش تمام شود و شانس به دادمان رسد، در صورت خطرات جدی‌تر چه بر سر صنایع این منطقه خواهد آمد؟

۲- در تمام بندر ماهشهر، که بیشترین صنایع نفت و پتروشیمی کشور را داراست، و حتی در استان خوزستان، یک بالگرد آتش‌نشانی وجود ندارد!

۳- در بندر ماهشهر به علت وجود صنایع نفت و پتروشیمی و سابقه آتش‌سوزی همواره آتش‌خطری جدی است، اما مرکز درمانی سوانح سوختگی در آن وجود ندارد.

۴- بهداشت و درمان صنعت نفت بندر ماهشهر که تنها محل مهم و مناسب درمانی در شهرستان و حتی محل رجوع مردم شهرستان‌های اطراف بوده‌است، در حال تعطیلی است.

۵- در تمام سطح شهرستان بندر ماهشهر، که آلوده به آلاینده‌های بی‌شماری است، تابلو نمایش میزان آلودگی هوا وجود ندارد!»

بچه‌ها با تنها وسیله‌ای که می‌توان آن را وسیله بازی کرد تفریح می‌کنند، در یکی از محروم‌ترین مناطق ایران، گوشه‌ای از سیستان و بلوچستان بزرگ که به دلیل خشکسالی و کم‌آبی کشاورزی و باغداری آن از رونق افتاده و خانواده‌ها به‌سختی و با مشقت دخل و خرج‌های ضروری را به هم می‌رسانند و جایی برای هزینه تفریح و شادی نمی‌ماند. کودکان اما از دخل و خرج چیزی نمی‌دانند و بازی‌شان را با هر چه دم‌دستان برسد به سرانجام می‌رسانند. کودکانی که محرومیت تا آخرین سنگر خانه و کاشانه آن‌ها پیش آمده، اما امید در چشمان و لی‌خنده‌ای آن‌ها هنوز زنده است.



**• ساختمان نیمه‌کاره-۴۹•**

**• مسعود مشایخی •**

## فناوری جدید فرصت یا تهدید؟

چند روزی است که آرامش بر ساختمان نیمه‌کاره ما حکم فرما شده و گوش شیطان کر، خبری از صدمه و جرات برای هیچ کدام از بچه‌ها نیست. یکی از دوستان به اسم مجید که در ساختمان دیگری مشغول کار است بیشتر مواقع به ما می‌پیوندد و همه را سرگرم می‌کند. خصلتی که مجید دارد تعریف کردن داستان‌ها و ماجراهایی است که برایش اتفاق افتاده که در همه این داستان‌سرایی‌ها چیزی که بیش از همه نمایان است غلو کردن است. درواقع مجید به طرز شگفت‌انگیزی در لاف زدن تبحر دارد؛ کارهایی نشدنی و غیرعقلانی که مجید در خیالش همه آن‌ها را انجام داده و برای ما هم تعریف می‌کند. کارهایی از قبیل بردن خلاطه بی‌سیمان به طبقه چهارم، آن‌هم به‌تنهایی و نمونه‌های زیادی از این کارهای خارق‌العاده که به‌هیچ‌روی قابل انجام نیستند. همیشه سر صبحانه مجید می‌آید و شروع به تعریف می‌کند. بچه‌ها هم دشتش می‌اندازند اما مجید به کارهایش ایمان دارد و زیر بار غیرواقعی بودن آن‌ها نمی‌رود.

حاج‌علی چند ساختمان در دست ساخت در چند نقطه دور از هم دارد. یکی از کارهایمان در منطقه دورافتاده و شرایط بد آب و هوایی است. بچه‌ها کمتر زیر بار رفتن به آنجا می‌روند. چون هم دور است و هم امکانات درست و حسابی ندارد و بیشتر افراد محلی آنجا در آن مشغول به کارند. همین موضوع بهانه‌ای دست حاج‌علی داده تا بگوید هر کس درست کار نکند و به‌موقع سر کار نیاید باید سر آن ساختمان برود و چند هفته‌ای در آن شرایط سخت کار کند. به همین علت هم بچه‌ها حسابی حرف‌گوش‌کن شده‌اند و سروقت در ساختمان حاضر می‌شوند. گاهی چنین مکان‌ها و شرایطی لازم است تا بچه‌ها منظم و کاری شوند. دیروز عصر روی پشت‌بام ساختمان مشغول کار بودم که نوای شادی به گوشم خورد؛ صدایی مثل ساز و نواز عروسی. محمد که بیرون رفته بود به ساختمان آمد و محل صدرا را که پرسیدم گفت چند کوچه پایین‌تر از ساختمان مجلس عروسی است. با تعدادی از بچه‌ها به آنجا رفتیم. اینجا رسم است که قبل از عروسی برای داماد مجلس خانبندان برگزار می‌کنند و اقوام وی با رقص و پایکوبی سر داماد حنا می‌گذارند. این مراسم زیبا از شناسن خوب ما در کوچه برگزار می‌شد. تماشايش برای عموم آزاد بود. ساعتی با دوستان به تن لباس‌های کار آغشته به سیمان و گچ را به تن داشتند به تماشا نشستیم و در شادی آن‌ها شریک شدیم.

دیروز معین که یکی از دوستان ما در ساختمان است در گوشی موبایل خود تعدادی عکس نشانمان داد از ابزارآلات و ماشین‌های صنعتی ساختمان در اروپا. ماشین‌هایی که با کمترین نفرات و وقت و هزینه، کار چندین نفر را انجام می‌دهند. مثلاً ماشینی بود که خودش دیوار بتنی می‌ساخت و نصب می‌کرد یا ماشینی که به‌طور اتوماتیک آجر و موزاییک می‌کرد و احتیاج به کارگر و نفرات زیادی نداشت. محمد که مثل همیشه شوخی‌اش گل کرده بود به معین گفت این عکس‌ها را به حاج‌علی نشان ندهد. می‌گفت می‌ترسد حاج‌علی این‌ها را ببیند و هوس کند بخردشان. آن‌وقت ما بیکار می‌شویم و از نان خوردن می‌افتیم. جدای از شوخی محمد، تکنولوژی چقدر می‌تواند کارها را راحت کند و سرعت انجام پروژه‌ها را بالا ببرد! مثلاً همان دیواروی که چند روز قبل آدم باید روی آن وقت بگذارند و زحمت بکشند در کمترین زمان ممکن به وسیله یک دستگاه صنعتی اتوماتیک با کمترین نفرات ساخته و تکمیل می‌شود و بقیه کارهای ساختمان هم با این وسایل زودتر از همیشه انجام می‌شوند. نمی‌دانم آرزوی داشتن این تکنولوژی‌ها را بکنم یا نه. چون با آمدن آن‌ها سرعت و دقت کار بیشتر می‌شود اما به خاطر اتوماتیک بودن آن‌ها عده‌ای از کارگران از چرخه کار حذف می‌شوند که در این رکود اقتصادی و بیکاری عده زیادی از جوانان فقدر می‌توان آن را مدیریت کرد. ای کاش اتفاقی در ملکتمان بیفتد که بتوانیم از تکنولوژی سرعت‌بخش استفاده کنیم ولی هیچ کارگری از کار بیکار نشود.